

حرکت امام حسین (ع) به کوفه

حرکت امام حسین (ع) به کوفه

پرسش و پاسخ حلقه های شجره طیبه صالحین بسیج 6 / سیره و تاریخ امام حسین (ع)

- حرکت امام حسین (ع) به کوفه

- نماینده رسمی امام، آمادگی مردم کوفه را تأیید کرده بود، و دیگر جای تأمل نبود. چرا که به طور مطمئن با توجه به نامه‌ها و نامه مسلم، شرایط برای قیام علیه بنی امیه آماده شده بود. امام در رفتن تسریع کرد، به طوری که در هشتم ذیحجه، یعنی در بچوبه مراسم حج، با تبدیل عمره تمتع به عمره مفرده عازم عراق گردید. لحظه‌ای تأخیر می‌توانست وضع عراق را دگرگون کند.

اضافه بر این احتمال ترور امام در مکه وجود داشته و ماندن حضرت در مکه به هیچ صورتی مصلحت نبود. گفته‌اند همراهان امام هشتاد نفر بودند؛ اما از پاره‌ای اخبار دیگر چنین برمی‌آید که تعداد بیش از این بوده است. به احتمال رقم مزبور مربوط به کسانی است که تا کربلا همراه امام ماندند.

اولین برخورد امام در طول راه برخورد با کاروانی بود که از یمن به سمت شام حرکت می‌کرد. این کاروان هدایایی را برای دربار یزید به شام می‌برد. امام از افراد آن دعوت کرد تا در صورت تمایل همراه او به عراق بیایند، در غیر این صورت بازگردند. [1] امام از منطقه نعیم، که در آن با کاروان برخورد کرده بود، به سمت الصفاح حرکت کرد. در آنجا بود که با فرزندق - که آن زمان شاعر جوان بود - برخورد کرد. او در پاسخ سؤال امام از وضع کوفه گفت: «قلوب الناس معك و سیوفهم عليك».

منطقه بعدی، بطن الرمه بود. در آنجا ضمن نوشتن نامه‌ای به مردم کوفه، با اشاره به نامه مسلم، از آنها خواست آماده ورود او باشند. [2] این نامه به دست قیس بن مسهر سپرده شد تا آن را به مردم کوفه برساند. او در راه با سپاه حصین بن نمیر مواجه شده و توسط آنها دستگیر گردید. قیس در همان دم نامه را خورد و پس از آن در کوفه به دست ابن زیاد به شهادت رسید.

امام حسین - علیه السلام - در منطقه بعدی که زدود نامیده می‌شد، با زهیر بن قین برخورد کرد. زهیر با این که عثمانی بود، با توجه به دعوت امام و نیز تحریک همسرش، به صورت یکی از یاران صمیمی امام درآمد. او همچنین از دوستانش خواست تا هر کدام دوستدار شهادت هستند با او بیایند، در غیر این صورت به راه خویش به طرف مکه ادامه دهند. [3]

در منطقه ذات عرق بود که شخصی از بنی اسد پیام شهادت هانی و مسلم را به امام حسین - علیه السلام - رساند. [4] گفته‌اند که امام قصد بازگشت داشت، اما برادران مسلم مانع شده و امام نیز به راه خود ادامه داد. به نظر نمی‌رسد برادران مسلم خواسته و یا توانسته باشند در صورت مخالفت امام، او را وادار به رفتن به کوفه کنند؛ به ویژه که دیگران در تحریک امام بر رفتن گفتند: «والله ما أنت مثل مسلم بن عقیل و لو قدمت الكوفة و لكان الناس اليك أسرع» [5] شما مسلم نیستید، اگر به کوفه بروید، مردم به سرعت به شما خواهند پیوست.

امام حسین - علیه السلام - خود برای رفتن قاطع بود. در منطقه زباله، پیام مسلم که در حین شهادت به عمر بن سعد گفته و از او خواسته بود که به امام حسین - علیه السلام - برساند، به دست امام رسید. [6] هنوز چندی نرفته بودند که خبر شهادت قیس بن مسهر [7] و عبدالله بن یقطر، برادر رضاعی امام حسین - علیه السلام - نیز به دست امام رسید. این اخبار نشان می‌داد که اوضاع کوفه دگرگون گشته و شرایط، با زمانی که از زبان مسلم گزارش شده، کاملاً فرق کرده است.

در این هنگام، امام، افرادی را که همراه او بودند گرد آورد و به آنها فرمود: «أیها الناس قد خذلتنا شیعتنا فمن أراد منكم الإنصاف فلینصرف» [8] ای مردم! شیعیان ما، ما را تنها گذاشتند. هر کدام از شما می‌خواهد برگردد، از همین جا بازگردد. در این جا بود که شماری از کسانی که در نیمه راه به امام پیوسته بودند بازگشته و یاران خاص امام باقی ماندند. [9] اینها کسانی بودند که از مکه امام را همراهی کرده بودند. [10] و یا حتی قبل از آن، از مدینه همراهی کرده بودند. [11] کسانی که از او جدا شدند، اعرابی بودند که فکر کرده بودند همراه حسین بن علی - علیه السلام - به شهری درمی‌آیند که همه آنها تابعیت او را گردن نهاده‌اند. [12] حال که معلوم شده بود تصورشان نادرست بوده، از همان جا بازگشتند.

پس از این مرحله نیز امام به حرکت خود ادامه داد. در اینجا کاملاً برای امام روشن شده بود که دیگر رفتن به کوفه با توجه به ارزیابی‌های سیاسی درست نیست و طبعاً ورای سیاست و مسائل سیاسی مطلب دیگری نیز بوده که می‌بایست حسابش را از ارزیابی‌های سیاسی جدا کنیم. امام به سوی منطقه شراه حرکت کرده و شب را در آنجا ماند. فردای آن روز باز حرکت کرد. نیمه‌های روز بود که از دور سپاه ابن زیاد به طلایه داری حر بن یزید ریاحی پدیدار شده و راه را بر امام سد کرد.

[1] . انساب الاشراف، ج3، ص164؛ اخبار الطول، ص245، تاریخ الطبری، ج4، صص 290 - 289.

[2] . اخبار الطول، ص245.

[3] . همان، ص247.

[4] . الفتوح، ج5، ص120.

[5] . تاریخ الطبری، ج4، ص300.

[6] . این پیام این بود که هر چه زودتر امام حسین - علیه السلام - به حجاز بازگردد و به کوفه نیاید.

[7] . اخبار الطول، صص 247 - 248.

[8] . انساب الاشراف، ج3، ص169.

[9] . اخبار الطول، ص248.

[10] . انساب الاشراف، ج3، ص169.

[11] . تاریخ الطبری، ج4، صص 300 - 301.

[12] . تاریخ الطبری، ج4، ص300.

رسول جعفریان- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، ص188